MLJ
مجله حقوق پزشکی
ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰
Journal Homepage: http://ijmedicallaw.ir



مقاله پژوهشی

بایدها و نبایدهای بانکداری اسلامی از منظر فقه اسلامی

جواد خلیقی مقدم[۱]، علیرضا صابریان[۲*]، مریم آقایی بجستانی[۳]

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۳. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۱/۰۴

واژگان کلیدی:

بانکداری اسلامی

اقتصاد

فقه اسلامی

ربا

وام

* نویسنده مسؤول:

علیرضا صابریان

آدرس پستی: ایران، سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

کد پستی: ۳۷۱۱۱-۳۵۱۳۱

تلفن: ۲۳-۳۳۶۵۴۰۴۰

پست الکترونیک:

alireza.saberyan@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: پرداختن به بانکداری اسلامی به عنوان یکی از ایده‌های مورد نیاز در اداره اقتصاد جوامع اسلامی و همچنین ارائه الگویی مستقل که برآمده از فقه اسلامی باشد، دغدغه‌ای واقعی است. بر همین اساس، پژوهش حاضر درصدد تا به بایدها و نبایدهای بانکداری اسلامی از منظر منابع فقهی بپردازد.

مواد و روش‌ها: در مقاله حاضر که از نوع توصیفی است، از روش تحلیلی استفاده است و اطلاعات مورد نظر نیز به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

یافته‌ها: نفی و حرمت ربا یک وجه اساسی از شکل‌گیری بانکداری اسلامی که هم در معاملات و هم در ارائه خدمات و تسهیلات به مشتریان می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. بانکداری اسلامی الگویی مبتنی بر انجام معاملات واقعی و طرد معاملات صوری استوار است که منابع فقهی پشتوانه آن نیز معاملات پذیرفته شده در اسلام از جمله قرض‌الحسنه، جعاله، مضاربه، مشارکت مدنی هستند که متکی بر معاملات واقعی و حل کردن مشکلات اقتصادی مردم جامعه می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در مراحل مختلف نگارش مقاله حاضر از مرحله گردآوری تا تجزیه و تحلیل مطالب، ملاحظات اخلاقی نظیر اصل امانت‌داری و رعایت اصول نگارشی مورد توجه قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری: از جمله مشکلات اصلی عدم تحقق بانکداری اسلامی فقدان تحول فقه بر مبنای تحولات بانکداری و عدم ارائه برنامه عملی برای اجرایی کردن بانکداری اسلامی است. همچنین از نظر حقوقی نیز، عدم توجه به موانع حقوقی پیشروی بانکداری اسلامی بسیار مورد توجه است. رواج بانکداری ربوی در جامعه اسلامی، سود هنگفت بانک‌ها بر وام‌ها و خدمات مالی و عدم سازوکار حقوقی بر بانک‌ها از جمله مهمترین موانع حقوقی عدم تحقق بانکداری اسلامی است. ضمن اینکه از نظر بایدها (ایجابی) نیز نظام بانکداری ربا همچنان در عرصه نظری باقی مانده و سیاست‌های اجرایی آن نیز به نحو مطلوبی محقق نشده است.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انجمن علمی حقوق پزشکی ایران است.

۱. مقدمه

نظام‌های سیاسی و اجتماعی برای اداره جامعه خود نیازمند وجود الگویی کارآمد، سازگار با شرایط بومی و محلی خود و همچنین در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی هستند. این وضعیت با توجه به غلبه کردن احکام و منابع دینی در الگوی اقتصاد اسلامی از اهمیت بیشتری برخوردار است. با توجه به اینکه در الگوی بانکداری در اسلام، اقتصاد نه یک هدف نهایی، بلکه به عنوان یک وسیله در نظر گرفته می‌شود، الگوی بانکداری اسلامی نیز از همین روش تبعیت می‌نماید. بنابراین طرد شیوه‌های سودمحورانه و مادی‌گرا و همچنین رویکردهایی که ممکن است تحقق احکام، قواعد و دستورات دینی را با مشکل روبرو ساخته و یا مانع تحقق آن شوند، حائز اهمیت فراوانی است. حتی می‌توان گفت رکن اصلی برای تحقق بانکداری اسلامی، طرد سایر الگوهای مطرح شده در جهان و پذیرش رویکرد مستقل بانکداری در اسلام است تا بتواند پشتوانه تحقق اقتصاد اسلامی و انواع آن باشد.

بانکداری اسلامی در نزد آموزه‌های دینی و اسلامی از جمله فقه و منابع دینی، مبتنی بر ارائه شیوه‌های سالم مبادله، تجارت و داد و ستد است. از این رو، نفی و طرد شیوه‌های ناسالم اقتصادی از جمله ربا در اقتصاد اسلامی و به طور خاص بانکداری اسلامی بسیار مورد توجه است. آموزه‌های دینی اسلام و آیات و روایات متعدد حاکی از «حرمت ربا» در بانکداری اسلامی است و این مسأله به طور صریح در آیات قرآن نیز مورد تأکید قرار گرفته است. نفی و حرام بودن ربا نه تنها در نزد فقه شیعی، بلکه در تمام مذاهب اسلامی و در نزد قرآن کریم، سیره عملی و نظری حضرت رسول اکرم (ص)، ائمه معصومین (ع) و فقهای مشهور اسلامی، قول، فعل و تقریر آنان حرام اعلام شده است. از سوی دیگر، قرآن کریم با ارائه شیوه‌های سالم تجارت و اقتصاد مبتنی بر عدالت و انصاف، نظیر انفاق، زکات، خمس، و عقود مختلف اقتصادی راهکارهای مهم و اساسی برای زیست اقتصادی مسلمانان ارائه می‌دهد.

با توجه به همین مسائل، پژوهش حاضر درصدد است تا به بایدها و نبایدهای بانکداری اسلامی از منظر فقه و حقوق اسلامی پرداخته و در نهایت شیوه کاربست جنبه‌های سلبی و ایجابی بانکداری اسلامی را نیز نشان دهد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش مقاله حاضر از مرحله گردآوری تا تجزیه و تحلیل مطالب، ملاحظات اخلاقی نظیر اصل امانت‌داری و رعایت اصول نگارشی مورد توجه قرار گرفته است.

۳. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر از نوع توصیفی است و در بررسی موضوع از روش تحلیلی استفاده است. اطلاعات مورد نظر نیز به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

پژوهش حاضر به این نتیجه رسیده است که جنبه‌های سلبی و ایجابی بانکداری اسلامی در تعامل با یکدیگر هستند و الگوی بانکداری اسلامی، الگویی متمایز و منحصر به فرد محسوب می‌شود. بدین معنا که نمی‌توان الگوی بانکداری ربوی را پذیرفت و در عین حال از عقود اسلامی نظیر جعاله، مضاربه و قرض‌الحسنه سخن گفت. بنابراین الگوی بانکداری اسلامی دو بال همزمان دارد که با پس زدن شیوه‌های اقتصادی غیرمولد، نفی سودآوری مطلق، و همچنین تأکید بر تولید و نوآوری، رویکرد مبتنی بر معاملات واقعی را مورد توجه قرار می‌دهد. آنچه در شیوه سلبی (نبایدها) در بانکداری اسلامی قابل طرح است، نفی و حرمت ربا و شیوه‌های ربوی اعم از معالامت قرضی و غیره است. در سوی مقابل، وجه ایجابی بانکداری اسلامی با تأکید بر شیوه‌های پذیرفته شده در فقه از جمله مضاربه، جعاله، مشارکت مدنی و قرض‌الحسنه قابل دستیابی است. در این شیوه‌ها، معاملات به نحوی است که مشکلی را از جامعه حل کرده و تولید و معاملات واقعی را رقم میزنند.

۵. بحث

۵-۱. پیشینه تحقیق

اثری با عنوان بانکداری اسلامی توسط نظرپور، موسویان و خزائی (۱۳۹۷) نگاشته شد و در آن به محورهای اصلی بانکداری اسلامی از جمله برقراری نظام بانکی بر مبنای عقود اسلامی، ارائه خدمات بانکی بر مبنای ارزش‌های اخلاقی و اسلامی و همچنین ایجاد تناسب در ارائـه خدمات میان بخش‌های مختلف جامعه اشاره می‌کنند. موسویان و میثمی (۱۳۹۶) در کتاب بانکداری اسلامی؛ بانکداری مرکزی اسلامی و سیاست‌گذاری پولی و ارزی، به ابعاد و زوایای بانکداری اسلامی از منظر سیاست‌های پولی و مالی توجه نشان داده و تحولات جدیدی را برای دستیابی به اهداف بانکداری اسلامی لازم می‌دانند. موسویان و میثمی (۱۳۹۶) در اثر دیگری با عنوان بانکداری اسلامی؛ مبانی نظری-تجربه عملی، به تعاریف و تفاسیر مختلف از بانکداری اسلامی پرداخته و تجارب برخی کشورها از جمله مالزی، کشورهای عربی و تأسیس بانک اسلامی در این کشورها را به عنوان مصادیق بانکداری اسلامی معرفی می‌کنند. اکبریان و رفیعی (۱۳۸۶) در مقاله بانکداری اسلامی؛ چالش‌های نظری-عملی و راهکارها به تاریخچه و تجارب عملی بانکداری در کشورهای مختلف اسلامی پرداخته و به این نتیجه رسیدند که در برخی کشورها با پذیـرش روش‌هایی نظیر: عقدهای مبادله‌ای، صکوک اسلام و عملیات خرید دین، برخی مشکلات خود را حل کرده‌اند، اما در ایران همچنان از این روش‌های بهره برده نشده است. ویلسون (۱۳۸۱) نیز در اثری با عنوان شباهت‌های بانکداری اسلامی و بانکداری اخلاقی، بانکداری اسلامی را همسو با آموزه‌های اخلاقی می‌داند که در صورت تحقق می‌توانند الگوی مناسبی برای اجرای اخلاق در مناسبات پولی و مالی تلقی شوند. مکارم شیرازی (۱۳۸۰) در اثری با عنوان «ربا و بانکداری اسلامی» به طور خاص، مسأله ربا در بانکداری اسلامی را مورد توجه قرار می‌دهد و با استناد به آیات و روایات متعدد تلاش می‌کند تا شیوه‌های بانکداری اسلامی را از ربا بزداید. فراهانیفرد (۱۳۷۸) در کتاب خود با عنوان «سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا؛ بررسی فقهی - اقتصادی»، از منظری فقهی به بررسی مسأله بانکداری اسلامی و آن هم از رویکرد اقتصادی-فقهی پرداخته است. به عقیده نویسنده، سیاست‌های فقهی در دین اسلام در زمینه اداره امور اقتصادی شامل موارد گسترده‌ای می‌شود که با بهره‌گیری از متون دینی و آیات و روایات حاصل می‌شود.

در آثار ذکر شده، محور اصلی پژوهش‌ها، بانکداری اسلامی، مصادیق، تعاریف و نظـریات مختلف و مهم‌تـر از همه استدلال‌های دینی در جهت بسط ایده بانکداری اسلامی دیده می‌شود. اما در پژوهش حاضر تلاش می‌شود تا با ارائه وجوه مختلف بانکداری اسلامی، از دو بُعد سلبی و ایجابی به بایدها و نبایدهای بانکداری اسلامی بپردازد.

۵-۲. نوآوری تحقیق

مهمترین نوآوری پژوهش حاضر، پرداختن به وجوه سلبی و ایجابی تحقق بانکداری اسلامی است که به نحو بهتری هم می‌تواند الگوی مطرود بانکداری در اسلام را نشان دهد و هم اینکه مشخصه‌های الگوی ایجابی را نیز به نشان دهد. بنابراین در پژوهش خاصی به این مسأله پرداخته نشده است. علاوه بر این، کاربست این تعامل دوگانه نیز در پایان مطرح شده است.

۵-۳. اهمیت و ضرورت تحقیق

اصلاح روش‌های بانکداری در نظام اسلامی می‌تواند بخش عمده‌ای از مشکلات اقتصادی را حل نماید. بر همین اساس، مهمترین ضرورت‌های پژوهش حاضر، ارائه راهکارهایی برای برون‌رفت از ربا در بانکداری اسلامی است که به نوبه خود نتیجه دیگری نیز پدید می‌آورد و آن هم عمل بر طبق دستورات الهی و دینی است. بنابراین مطرح کردن بایدها و نبایدهای بانکداری اسلامی از نظر فقه که در واقع تشریح همان اصول ایجابی و سلبی بانکداری اسلامی است، هدف اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد.

۵-۴. محدودیت‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، بیش از همه تلاش شده است تا رویکردهای فقهی درباره بایدها و نبایدهای بانکداری اسلامی بررسی شود و

چندان به نظریات، تاریخچه و مصادیق بانکداری اسلامی و تجارب عملی آن در کشورهای مختلف اسلامی توجهی نشده است.

۵-۵. نبایدهای بانکداری اسلامی

بنیان اصلی بانکداری اسلامی، نفی و حـرمت ربا در اداره بانک‌ها و ارائه تسهیلات به مردم جامعه است. به طور مشخص درباره تسهیلات بانک‌ها از جمله ارائه وام در بانکداری اسلامی می‌توان دلایل متعددی در نفی و حرمت ربا مطرح نمود. مهمترین دلیل حرمت ربا طبق آیه «فلکم روس اموالکم لاتظلمون و لاتظلمون» (۱). وجود ظلم بر فرد گیرنده قرض یا وام می‌باشد. حال اگر مناسبات بین وام‌دهنده و وام‌گیرنده به نحوی تنظیم گردد که شائبه ظلم برگیرنده وام متصور نگردد، حرمت ربا نیز در این رابطه مصداق سالبه به انتفاء موضوع می‌گردد و عنوان حرمت از سود حاصل از این رابطه مالی برداشته می‌شود و البته اگر دلایل دیگر تحریم ربا مثل «ترک تجارت» و... هم در نظر بگیریم، توجیه مشروعیت ربا به این صورت خواهد بود که یک نهاد مالی مثل بانک در این میان وظیفه هدایت ذخیره مالی و سرمایه را در جهت منفعت عمومی مثل بازرگانی و تولید و غیره را به عهده دارد جلوی رکود اقتصادی را می‌گیـرد در نتیجـه هم وام‌دهنـده و هم وام‌گیرنده هر دو از این داد و ستد پول منتفع می‌گردند. در هر صـورت، ربا باعث ازدیاد ثروت و تکاثـر آن در نزد رباخـوار می‌شود که از جنبه‌های مختلفی حرمت آن مورد توجه قرار گرفته است. در این معنا، ربا در شرع به زیاده مخصوصی اطلاق می‌شود (۲).

علاوه بر این در راستای انفاق از مال حلال و پاکیزه، دومین اصلی که در باب بانکداری اسلامی، باید رعایت شود؛ این است که انسان اشیا و اموالی را که پاکیزه و دوست‌داشتنی است، در راه خدا انفاق کند تا اقتصاد سالم اسلامی به نحو مطلوبی سامان پیدا کند. بدین ترتیب، در مبانی اقتصاد اسلامی، توجه به اصول اخلاقی و بهره‌مندی از روش‌های سالم و پاکیزه حائز اهمیت فراوان است. حتی نفس اعمال نیک و استفاده از روش‌های مناسب در اقتصاد اسلامی و به تبع آن بانکداری اسلامی تا جایی مهم است که خداوند در آیه شریفه از پیامبر (ص) می‌خواهد که به وسیله آن مال مؤمنان را پاکیزه سازد. جایی که بیان می‌کند: «خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِها وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللّهُ سَميعٌ عَليمٌ». «از اموال آنها صدقه‌ای (به عنوان زکات) بگیر، تا به وسیله آن، آنها را پاکسازی و پرورش دهی! و (به هنگام گرفتن زکات،) به آنها دعا کن؛ که دعای تو، مایه آرامش آنهاست؛ و خداوند شنوا و داناست!» (۱).

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه بر این عقیده هستند که مخاطب خداوند، حضرت رسول اکرم (ص) است و چنین بیان می‌کنند: «مخاطب آیه، پیامبر (ص) است که خداوند به ایشان دستور داده قسمتی از اموال مردم را -که به عنوان صدقه (زکات) است- بگیرد تا بدینوسیله مالشان پاک شود» (۳). حر عاملی به عنوان یکی از مفسران و علمای شیعی در این باره چنین می‌فرماید: «مردم زمانی که اسلام آوردند درآمدهایی از ربا و اموال حرام در اختیار داشتند و افراد به سراغ این درآمدها در بین دارایی‌های خود می‌رفتند و آنها را صدقـه می‌دادند، اما خداوند آنان را از این کار نهی فرمود. صدقه دادن جز از درآمد پاک و حلال درست نیست» (۴).

به همین دلیل است که استفاده از ربا به عنوان راهی برای ساماندهی به امور اقتصادی به شدت در آیات و روایات محکوم شده است. حتی امام صادق (ع) در حدیثی، گناهان کبیره را شامل هفت مورد دانسته‌اند کـه ربا نیز در زمـره آنان قـرار می‌گیرد. جایی که در بیان هفت مورد می‌فرمایند: «کشتن مؤمن به عمد، متهم ساختن زن پاکدامن، فرار از جهاد، خوردن مال یتیم، خوردن ربا و...» (۵). بدین ترتیب، ربا در واقع نوعی درآمد ناپاک است که نسبتی با اقتصاد اسلامی و بانکداری اسلامی ندارد. همچنان که ربا، اصولاً با ریزش جریان سود از طبقات پایین‌تر به طبقات ثروتمندتر و در نهایت عامل عمیق‌تر شدن شکاف اقتصادی بین اغنیاء و فقرا در یک جامعه است (۶). از نظر عالم شیعی، شیخ محمدحسین نجفی، صاحب جواهرالکلام: «بحث در ربا است که از نظر قرآن و سنت و اجماع همه شیعیان، بلکه مسلمین حرام است. بلکه بعید نیست که حرمت آن از ضروریات و امور قطعی در دین

باشد. پس هرکس آن را حلال شمارد در زمره کافران است» (۷).

یکی از آثار انفاق این است که می‌تواند جریان پول را از طبقات ثروتمند به سوی طبقات کم‌درآمد سوق داد، و در جهت رفع «فقر» نقش فعال داشته باشد؛ این در حالی است که از سوی دیگر همواره بر کار و کوشش برای استقلال اقتصادی توصیه و تأکید و از اظهار احتیاج و فقر نهی شده است (۴). با این حال روابط اجتماعی سرشار از نابرابری‌ها، راه‌های نامشروع کسب ثروت و قدرت و شکل‌گیری سوءاستفاده‌های گوناگون از قانون می‌باشد. علاوه بر ناهماهنگی و اِشکال در تولید، توزیع و مصرف، مسائلی همچون ناتوانی‌های جسمی یا حوادث طبیعی نیز می‌تواند فرد را از کار و فعالیت و در نتیجه، از بهره‌مندی از ثروت محروم سازد، هم‌چنین برخی افراد یا گروه‌ها راه‌هایی را برای کسب ثروت به کار می‌گیرند که در عمل موجب محرومیت افراد بسیاری از حق‌شان می‌شود. بدین ترتیب اصل سلبی بانکداری اسلامی نفی ربا و حرمت آن در امور اقتصادی و بانکداری است که از نظر فقهای اسلامی به شدت طرد و لعن شده است.

برای فهم بعد فقهی بانکداری اسلامی ابتدا می‌بایست اصول موضوعه بانک‌های اسلامی را بفهمیم. از این رو که در متون و مبانی اسلامی چه اساسی برای بانکداری در نظر گرفته شده است. بدین خاطر کـه مسلمانان و فقها در مـورد بانک دیدگاه‌های جامع واحدی را در ذهن می‌پرورانند. از این جمله اینکه:

- همه مسلمانان تحریم ربا را به عنوان اصلی قطعی و مسلّم می‌دانند و از ارکان اقتصاد اسلامی به حساب می‌آورند؛
- گرفتن هر نوع زیاده (بهره) در هر قرضی ربا و حرام است و از این جهت فرقی بین قرض‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری نیست؛
- فرقی بین بهره کم و زیاد وجود ندارد؛ هر دو ربا و حرام است؛
- اضطرار و ضرورتی که موجب تخفیف در احکام شرعی می‌شود در معاملات بانکی جاری نیست (۸).

بنابراین اصل فقهی اساسی در مورد بانکداری اسلامی دو مفهوم ربوی بودن و سود اضافی و بهره ناعادلانه گرفتن است. از این رو از لحاظ فقهی می‌بایست گفت بانکداری اسلامی چند اصل اساسی را مدنظر خودش از نظر فقهی باید قرار دهد: ۱) اصلی‌ترین بعد فقهی بانکداری اسلامی منع ربا است. مسأله ربا مورد نهی شدید خداوند قرار گرفته به صورتی که رباخوار را مانند کسی که به جنگ خدا و رسولش رفته، معرفی می‌کند. علامه طباطبایی در مورد تفسیر آیه ۲۷۹ سوره بقره معتقد است: شدتی که خداوند درباره مسأله ربا و رباخوری به کار برده، درباره هیچ یک از فروع دین غیر از تبری از دشمنان خدا به کار نبرده است (۳). ضمن اینکه در منابع فقهی برای ربا اقسامی از جمله ربای معاملی و ربای قرضی بیان شده است:

ربای معاملی: معامله دو چیز همجنس با دریافت زیادی در یکی از عوضین را ربای معاملی می‌گویند که با سه شرط محقق می‌شود. شرط اول مکیل یا موزون بودن دو جنس است؛ بنابراین چیزهایی که با کیل یا وزن اندازه‌گیری نمی‌شوند، مشمول حرمت ربا نیستند، البته عده‌ای از فقها کالاهای شمردنی را نیز در این حکم وارد می‌کنند. فقها معیار مکیل یا موزون بودن یک کالا را به عرف زمان معامله بر می‌گردانند. شرط دوم تحقق ربای معاملی یکی بودن دو جنس معامله شده است. شرط سوم تفاوت در مقدار دو جنس است که گاه به صورت عینی می‌پردازند؛ مانند زیادتر دادن گندم در برابر گندم و گاه به صورت حکمی است مانند تعیین مهلت در تحویل یکی از عوضین (۹).

ربای قرضی: هرگاه در عقد قرض شرط شود که قرض‌گیرنده هنگام ادای قرض، آن را با افزوده برگردانند، ربای قرضی تحقق یافته است. ربای قرضی گاه با دریافت زیادی از عین مال قرض داده شده و گاه با شرط انجام کاری یا دادن منفعتی بـه قرض‌دهنده محقق می‌شود (۱۰). با وجـه به این دو مـورد می‌توان گفت که ربا در اسلام به شدت محکوم است؛ حتی اگر قرض حسنه‌ای با توافق طرفین به شرط دریافت سود بیشتر به قرض‌دهنده صورت گیرد. بنابراین در بانکداری اسلامی با توجه به تعریف فقهی ربا، می‌توان گفت جریمه دیرکرد، یا تنبیه وام‌گیرنده در قالب تعهدات جدیدی که منجر به ضرر بیشتر به

او شود خود عین ربا محسوب می‌شود و از نظر برخی فقها محکوم شده است.

۲) بانکداری اسلامی و اصل اشتراک اجتماع و حقوق مشتری: علاوه بر منع ربا تقدم مالکیت عمومی بر مالکیت خصوصی اصل موکدی است. علامه طباطبائی در تفسیر آیه ۲۹ سوره بقره «هُوَالَّذی خَلَقَ لَکُمْ ما فِی الْأَرْضِ جَمیعاً» (۱). نتیجه می‌گیرد که هر ثروتی که به دست می‌آید در حال بدست آمدنش ملک اجتماع است، آنگاه سهمی از آن به آن فردی که ما وی را مالک و یا عامل می‌خوانیم، اختصاص می‌یابد. مابقی سهام نیز که خمس یا زکات می‌باشد، در ملک مجتمع باقی می‌ماند؛ پس یک فرد مالک، ملکیتش در طول ملک اجتماع است (۳). بنابراین حبس پول، یا عدم تحرک ثروت در جامعه منجر به آسیب به آن جامعه شده و ضرر است. چنانکه در سوره توبه آیه ۳۴ بیان شده است: «وَالَّذینَ یَکنِزُونَ الذَّهَبَ وَالفِضَّةَ وَ لا‌یُنْفِقُونَها فی سَبیلِ اللّه» (۱)، حبس پول و نه پسانداز آن، منجر به ضرر به دین و لطمه به مسلمین می‌شود. باید گفت از آنجا که عدالت، ثبات و رشد اقتصادی، از اهداف کلان و مهم نظام اقتصادی اسلام است. از این رو زیر نظام‌های نظام اقتصادی اسلام از جمله بانکداری اسلامی نیز باید به گونه‌ای ساماندهی شوند که اقتصاد را به سمت اهداف مورد نظر پیش ببرند. در راستای تحقق این سه هدف مهم است که در ماده‌ی یک قانون عملیات بانکداری بدون ربا، مصوب دهم شهریور سال ۱۳۶۲، چنین آمده است که نظام بانکی کشور ملزم به "استقرار نظام پولی، اعتباری بر مبنای حق و عدل -با ضوابط اسلامی- برای تنظیم گردش صحیح پول، اعتبار، در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور" است. زیرا تحقق اهداف نظام پولی و بانکی در نظام اسلامی، مستلزم استقرار عدالت اقتصادی، اجتماعی و توزیع عادلانه‌ی درآمد و ثروت در جامعه است، بر این اساس هرگونه بهره‌وری ظالمانه در معاملات و نیز رباخواری به هر شکل، عملی نامشروع و بر خلاف عدالت به شمار می‌آید (۱۱). با توجه بـه این اهداف و رویکردها و جهت‌گیری‌ها در مورد اهداف بانکداری اسلامی می‌توان این اهداف را از منظر فقهی و در نگاه نظریه‌پردازان آن جستجو کرد.

در هر صورت بر مبنای نفی ربا در بانکداری اسلامی، استاد مطهری بر این عقیده است که مهمترین وظیفه بانک واسطه‌گری است، بین پولی که راکد مانده و نیروی انسانی که از آمادگی لازم برای فعالیت اقتصادی برخوردار است. از این رو ایشان ربا را اینگونه تعریف می‌کند: ربای معمول، که در دنیا به نام ربا خوانده می‌شود، همین است که سودی در مقابل قرض بگیرند و بیشتر قرض‌ها هم در مورد پول است، ولی در اسلام غیر از ربای قرض، که به شدت حرام شده، نوعی معامله هم حرام شده و اسم آن نیز ربا گذاشته شده است که به آن ربای معاملی گویند و آن این است که جنسی به مثل خودش، ولی با زیاده خرید و فروش کنند (۱۲). از این رو ایشان با استناد به قرآن نظام بانکداری ربوی را مطرود و آن را خلاف اسلامی می‌داند. از قرآن مجید استفاده می‌شود که ملاک حرمت ربا ظلم است لا تظلمون و لا تظلمون. و روشن است که این ظلم چیزی جز ظلم رباگیرنده بر رباده‌نده نیست (۱۲). بنابراین شیوه درست از نظر ایشان مضاربه است که حقوق واسطین تأمین می‌شود. بنابراین اهداف بانک اسلامی بـه شرح زیـر می‌تواند باشد:

- کمک به رشد اقتصادی عادلانه و بدون ظلم؛
- حذف ربا از عملیات‌های بانکی و جایگزینی قرض‌الحسنه؛
- تقسیم و دریافت سود و زیان مشترک و عدم دریافت کارمزدی که حالت سود و ربا پیدا می‌کند؛
- کمک به حرکت نیازمندان به سوی زندگی شرافتمندانه و عادلانه از طریق اعطای وام بدون ربا.

با این اوصاف، یکی از مهمترین مسائلی که در اقتصاد اسلامی مدنظر است، مسأله مقابله با شیوه‌های درآمد نامشروع از جمله «ربا» است. زیرا ربا به نوبه خود می‌تواند سر منشأ نابرابری‌ها و مخدوش شدن اصل مساوت گردد. ضمن اینکه تقبیح ربا نشان از آثار نامطلوب آن در حوزه‌های مختلف اقتصادی دارد. چنانچه در این زمینه گفته می‌شود: «خوردن یک درهم ربا سخت‌تر و شدیدتر است در نزد خداوند از هفتاد مرتبه زنا کردن محارم خود» (۱۳). از منظر آموزه‌های دینی و قرآنی، روایات و احادیث می‌تـوان گفت ربا نقطـه مقابل انفاق و قرض‌الحسنه و حتی از بین برنده آن است.

۵-۶. بایدهای تحقق بانکداری اسلامی

در بانکداری اسلامی به طور مجاز به مردم تسهیلات مالی اعطا می‌کنند و مردم نیز به صورت غیرمستقیم وارد مقوله سرمایه‌گذاری می‌شود. بر همین اساس، عقود معینی در بانکداری اسلامی وجود دارند که پذیرش آنان و عمل بر مبنای آنان می‌تواند راهگشا و بیانگر شیوه عملی بانکداری اسلامی در نظر گرفته شوند:

اولین راهکار تعامل مالی پذیرفته شده در بانکداری اسلامی قرض‌الحسنه است. قرض‌الحسنه اصطلاحاً بین مردم به وام گرفتن معروف است و برای آن کارمزد نباید پرداخت کنند و آن را از مصادیق دینی می‌دانند. از نظر فقهی، قرض مالی است که به دیگری تملیک شود به طوری که او نیز ضامن بازپرداخت عین یا مثل یا قیمت آن چیز گردد (۱۴). در این نوع قرارداد حقوقی، منش مسلمانی اقتضا می‌کند که از دریافت‌کنندگان تسهیلات قرض‌الحسنه، کارمزدی دریافت نشود؛ زیرا عموم یا اکثر متقاضیان قرض‌الحسنه را نیازمندان و طبقات ضعیف و متوسط به پایین جامعه قرار می‌دهند. بر این اساس، فقهایی هم که دریافت کارمزد را به لحاظ فقهی، جایز دانسته‌اند، توصیه کرده‌اند که به لحاظ رعایت حال ضعفای جامعه، بهتر است مخارج فعالیت‌های وام‌دهی در بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه از جاهای دیگر تأمین شود و چیزی از وام‌گیرندگان دریافت نشود (۱۵).

روش بعدی و مورد تأیید در بانکداری اسلامی مضاربه است. مضاربه کلمه‌ای عربی و بر وزن مفاعله است. ریشه این لغت از «ض-ر-ب» است و در معانی مختلف: زدن -تصرف و تبدیل و تعویض- مسافرت کردن و در نور دیدن -آمیختن و شریک شدن به کار رفته است. مضاربه در حقوق اسلامی از عقود جایز است و در این مسأله هیچ‌گونه نظر مخالفی وجود ندارد. مضاربه از سه عقد: وکالت، ودیعه و شرکت تشکیل شده است که هر سه آنها از عقود جایز می‌باشند؛ به این معنا که بانک به عامل وکالت می‌دهد تا با حساب او داد و ستد کند و اموالی را که لازمه تجارت است به ودیعه به او می‌سپارد و در سودی که به دست می‌آید با او شرکت می‌کند. به این ترتیب اگر شرط مخالفی نباشد پیمان مضاربه هیچ‌کدام از آن دو طرف را پایبند نمی‌کند و هر وقت که بخواهند هر یک از مالک و عامل می‌توانند آن را به هم بزنند و مانند سایر عقود جایز در صورت فوت یا جنون و سفر هریک از متعاقدین، عقد مضاربه خود به خود فسخ می‌گردد (۱۶).

در عمل نیز مضاربه به عنوان یکی از شیوه‌های فقهی در بانکداری اسلامی، قراردادی است که به موجب آن بانک سرمایه را تأمین می‌کند و طرف دیگر با آن به تجارت می‌پردازد و در نهایت سود حاصل از سرمایه بین بانک و طرف دیگر تقسیم می‌شود. اما باید دید این اصل در بانکداری امروزی رعایت می‌شود. که باید گفت بانکداری اسلامی در حقیقت نوعی مهندسی اقتصادی برای تغییر دادن بانکداری متعارف در جهت حذف بهره از آن بوده است. به عبارت دیگر، این نوع بانکداری محصول اصیل و درون‌زای فرهنگ و تمدن اسلامی نبوده، بلکه ابداع جدیدی برای رفع برخی نگرانی‌ها در خصوص شبهه ربوی بودن بانکداری متعارف غربی است و بیش از آن که ریشه در اسلام داشته باشد، متأثر از عوامل بیرونی است؛ یعنی تا زمانی که مسلمانان در تماس با جوامع غربی و بانکداری آنها قرار نگرفته بودند، ضرورت بانکداری اسلامی احساس نشده بود (۱۷). بنابراین باید عقود مضاربه نیز به شیوهای باشد که دو اصل بدون ربا بودن و اصل سهیم شدن برابر سود و زیان در آن رعایت شود. اصل مضاربه در این صورت می‌توان مبنای ایجابی بانکداری اسلامی در نظر گرفته شود.

مشارکت مدنی نیز راهکار دیگری در بانکداری اسلامی است. به موجب این قرارداد، دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی از جمله بانک، سرمایه نقدی یا جنسی خود را به شکل مشاع و به منظور ایجاد سود در هم می‌آمیزند. در آمیختن سهم‌الشرکه نقدی یا غیرنقدی شریک با سهم‌الشرکه نقدی یا غیرنقدی بانک به صورت مشاع برای انجام کاری معین درباره فعالیت‌های تولیدی، بازرگانی و خدماتی به مدت محدود به قصد انتفاع بر حسب قرارداد را مشارکت مدنی گویند. مشارکت مدنی بانکی همان قرارداد شرکت است که در متون فقهی از آن به شرکت اجتماع حقوق «اموال یا شرکه العنان تعبیر می‌شود و مطابق ماده ۵۷۱ ق.م شامل مشارکت مدنی از

جمله عقود جایز» است. مالکیت به صورت اشاعه بوده و طرفین هرگاه بخواهند می‌توانند آن را فسخ کنند. همچنین با رخ دادن مرگ، اثبات سفاهت و جنون هر یک از طرفین منحل خواهد شد. در این عقد تمام شرایط صحت عقد، مانند عقل، بلوغ، اختیار و نبود حجر به واسطه سفه و ورشکستگی لازم است (۱۸).

جُعاله نیز روش دیگری است که در نظام بانکداری اسلام راهگشای بخش مهمی از مسائل مالی می‌باشد. جعاله در فقه و حقوق ایران عبارت است از عقدی که طی آن شخصی در برابر دریافت اجرت یا پاداشی التزام به انجام کاری می‌یابد. جعاله در لغت به معنای اجرت و دستمزد به‌کار می‌رود (۱۹). با توجه به نقش تسهیلات در گسترش امور تولیدی، بازرگانی و اشتغال در ایران، ماده ۱۶ قانون عملیات بانکداری بدون ربا به این مسأله اختصاص پیدا کرده است. در همین راستا، قانون مزبور به بانک‌ها اجازه می‌دهد تا در این زمینه از جعاله استفاده کنند. شواری پول و اعتبار در راستای تحقق بانکداری اسلامی در سال ۱۳۶۳، دستورالعمل لازم برای اجرایی کردن جعاله را تصویب نموده است.

مزارعه نیز یکی از روش‌های تأمین مالی کوتاه‌مدت در بخش کشاورزی است، که به موجب آن یکی از طرفین در زمین دیگری به کشاورزی می‌پردازد و محصول را آنگونه که در عرف رایج است تقسیم می‌کنند. یکی از شرایط شرعی مزارعه آن است که تمام محصول به یکی از طرفین اختصاص داده نشود. این «عقد» در ماده ۵۱۸ قانون مدنی ایران آمده است. مزارعه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، زمینی را برای مدت معین به طرف دیگر می‌دهد که آن را زراعت کند و حاصل را تقسیم کنند. از نظر امام خمینی (ره) مزارعه یکی از عقود شرعی است که به موجب آن یکی از طرفین زمینی را برای مدّت معیّن به طرف دیگر واگذار می‌کند تا در آن زراعت کرده و محصول را به نسبتی که توافق می‌کنند بین خود تقسیم کنند؛ طرف اول را مزارع و طرف دوم را زارع یا عامل می‌نامند (۱۴).

مزارعه را می‌توان یکی از روش‌های تأمین نیازهای مالی در بخش کشاورزی دانست. بانک‌ها در قرارداد مزارعه نقش مزارع را خواهند داشت. بنابراین زمانی می‌توانند اقدام به مزارعه کنند که بخواهند زمین یا سایر عوامل تولید یا تلفیقی از آن دو را در اختیار زارع قرار دهند (۱۴). قرارداد مزارعه با تقسیم محصول و تحویل سهم بانک خاتمه می‌یابد، ولی در مواردی بسته به نوع محصول ممکن است بانک مایل باشد سهم محصول خود را توسط عامل به فروش برساند؛ در این حالت موضوع شرط ضمن عقد در قرارداد ذکر خواهد شد (۱۴). بنابراین می‌توان گفت با توجه به ممنوع بودن ربا و سود و ضرر طرفین معامله، مزارعه یکی از انواع قرارداد فقهی است که رابطه برابر بین بانک و طرف معامله را برقرار می‌کند و هیچکدام در این رابطه متضرر نمی‌گردند؛ به این دلیل که سود دو طرف در نظر گرفته می‌شود.

۵-۷. کاربست وجوه سلبی و ایجابی برای تحقق بانکداری اسلامی

با عنایت به موارد مطرح شده و توصیه شده استفاده در بانکداری اسلامی، می‌توان چنین بیان کرد که در نگرش فقه و حقوق اسلامی برای تحقق شرایط مناسب اقتصادی و پیاده کردن بانکداری اسلامی نمی‌توان به هر ابزاری متوسل شد. برای خارج نشدن از مسیر و چارچوب تعیین شده، اصول و قواعد فقهی وجود دارند که با استمداد از آنان می‌توان بانکداری اسلامی را تحقق بخشید. یکی از قواعد فقهی مرتبط با بانکداری اسلامی، نفی و حرمت ربا است. امام خمینی در این باره تأکید می‌کنند: «اسلام با تنظیم مناسبات و فعالیت‌های مادی، زمینه را برای اعتلای معنوی انسان‌ها می‌گشاید» (۱۴).

بر همین اساس، مجلس شورای اسلامی قانونی را تصویب کرد که تحت عنوان «عملیات بانکداری بدون ربا» نام دارد. این قانون در واقع هرگونه فعالیت بانکی که منجر به دریافت وجه نقدی از مشتریان شود، ممنوع اعلام کرده و اعطای تسهیلات بانکی را به شرط استفاده از عقود اسلامی، میسر دانسته است. بانکداری بدون ربا در واقع زیرمجموعه بانکداری اسلامی است که بر اساس آن، بانک‌ها، در چارچوب احکام و قواعد اسلامی، نسبت به جمع‌آوری سپرده‌ها و ارائه تسهیلات بانکی اقدام

می‌کنند (۲۰). با اجرایی شدن این سیاست‌ها و ممانعت از دریافت وجه از مشتریان در قبال مبالغی که از بانک، پول دریافت می‌کنند، زمینه‌های لازم برای استقرار بانکداری اسلامی محقق می‌شود. بنابراین بانکداری اسلامی بدون ربا، سه کارویژه اساسی دارد: الف. استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی)، دوم: فعالیت در جهت تحقق اهداف و سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصاد اسلامی و اقتصاد مدنظر جمهوری اسلامی ایران با استفاده از ابزارهای پولی و اعتباری. و سوم: ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض‌الحسنه.

این مسأله که بانکداری اسلامی می‌بایست نگرش مستقل و الگویی خاص بیافریند، به معنای عدم تأثیرپذیری از سایر الگوهای اقتصادی در جامعه اسلامی است. در این رویه مستقل، بانکداری اسلامی به دنبال ارائه خدماتی است که با قوانین و آموزه‌های شریعت سازگار باشد و بر ارزش‌های اخلاقی تأکید نماید. به عبارت دیگر، هر گونه خدماتی که در بانکداری اسلامی به مردم عرضه می‌شود، می‌بایست با موازین شرعی و اخلاقی سازگار باشد (۲۱). اما آنچه امروزه در نظام بانکداری اسلامی دیده می‌شود، بهره‌گیری از الگوهای غربی و سودگرایانه است که نقش چندانی به اخلاق و آموزه‌های شرع نمی‌دهند و تنها بر محور سود و سرمایه سازمان می‌یابند. با توجه به اینکه پیاده کردن الگوی بانکداری اسلامی نیازمند طرد الگوهای وارداتی است، می‌توان ویژگی‌های بانکداری اسلامی را در بهره‌مندی بانک‌ها از عقود اسلامی، حذف ربا، توزیع عادلانه تسهیلات و خدمات بانکی بین بخش‌های مختلف جامعه و همچنین تعیین عادلانه نرخ سودها دانست (۲۲).

یکی دیگر از عوامل مهمی که مانع تحقق بانکداری اسلامی می‌شود عدم مشارکت واقعی بانک‌ها در پروژه‌های سرمایه‌گذاری است (۲۳). بر اساس همین ضعف و ناکارآمدی است که گفته می‌شود فعالیت‌های بانکداری اسلامی می‌بایست از فعالیت‌های غیرواقعی پرهیز نموده و حتی مانع تحقق چنین رویکردی در جامعه اسلامی شوند. این مسأله می‌تواند به عنوان یک اصل کلی و عمومی در بانکداری اسلامی در نظر گرفته شود. همچنان که عقود مبادله‌ای و مشارکتی به عنوان نمادی از فعالیت‌های واقعی کسب و کار در نظر گرفته می‌شوند (۲۴). استدلالی که در بانکداری اسلامی مطرح می‌شود سازگاری این سبک از بانکداری با نیازهای واقعی جامعه و همچنین ارتباط آن با راه‌اندازی تولید و اشتغال در کشور است. بنابراین عقود مبادله‌ای همانند فروش اقساطی و اجاره، ارتباطی مستقیم با امکانات تولید و بخش واقعی دارند (۲۵).

یکی دیگر از شرایط لازم برای شکل‌گیری و تحقق بانکداری اسلامی آن است که نظام بانکی، ظرفیت لازم را برای افزایش درآمدهای خود پدید آورد. عدم وجود چنین رویکردی از نظر اقتصادی، بانک‌ها را به سمت ورشکستگی سوق داده و مانع از ارائه تسهیلات بیشتر آنان به مردم می‌شود. این نقیصه به دلیل ضعف کارشناسان اقتصادی و عدم وجود کارشناسان متخصص برای در نظر گرفتن پروژه‌های است که دارای توجیه فنی و اقتصادی مناسبی باشند (۲۳). بنابراین نظام بانکداری اسلامی برای ارائه خدمات مطلوب‌تر به شهروندان نیازمند بهره‌گیری از دانش روز در زمینه بانکداری و تربیت نیروهای متخصص و کارآمد در این زمینه است.

یکی دیگر از راهکارهای تحقق بانکداری اسلامی ایجاد اعتماد میان مردم و نظام بانکی است. به عبارتی دیگر، بانک‌ها با انجام برخی فعالیت‌های ناکارآمد و توجه به کسب سود از سپرده‌گذاران، باعث سلب اعتماد عمومی نسبت به خود می‌شوند. این موضوع در بانکداری اسلامی که بر اعتماد عمومی به عنوان زمینه‌ای برای تحقق فعالیت‌های اقتصادی تأکید می‌کند، ناسازگار است. به عبارت دیگر، یکی از چالش‌های اساسی بانکداری اسلامی فقدان اعتماد جامعه به اسلامی بودن عملیات بانکی است (۲۶). وجود اعتماد در نظام بانکی و برقراری اعتماد با عموم مردم و از جمله سپرده‌گذاران، ارائه تسهیلات مشتری‌مدار، خلاق و منجر به اشتغال‌زایی در جامعه، از جمله راهکارهایی است که می‌تواند بانکداری اسلامی را محقق سازد.

۶. نتیجه‌گیری

پرداختن به چالش‌های پیشروی بانکداری اسلامی مستلزم پرداختن به جنبه‌هایی است که مورد تأیید الگوی اقتصاد اسلامی نیستند و آن هم نفی شیوه‌هایی است که اقتصاد را هدف دانسته و از ابزارهای سودمحورانه برای ساماندهی به امور اقتصادی بهره می‌برند. در این رویکردهای مطرود از نظر فقه اسلامی، سودمحوری و سودانگاری یک اصل اساسی است که هرگز مورد پذیرش دین اسلام نیست. به عبارت دیگر، در فقه اسلامی می‌بایست به دنبال شیوه مطلوبی باشیم تا در پرتو آن بتوان نسبت به اصول و معیارهای بانکداری اسلامی دست پیدا کرد و از آنان بهره برد. در این میان، اصول سلبی بیش از پیش بر محوریت نفی و حرمت ربا در ابعاد مختلف آن مورد تأکید قرار گرفته است که البته فاصله میان نظر و عمل بسیار گسترده است و حتی قانون بانکداری بدون ربا که در دهه ۱۳۶۰، تصویب شده است همچنان اجرایی نمی‌شود. اما این ضرورت امروزه بیش از پیش احساس می‌شود و اتخاذ رویه واحد برای بانک‌ها در جهت مقابله با رویکردهای ربوی، اعتقاد بانک‌های اسلامی به این روش و عمل بر مبنای آن، ارائه تسهیلات و خدماتی که باعث رضایت مشتریان شود، استفاده از عقود تأیید شده در اسلام از جمله آثار توجه به بایدها و نبایدها در بانکداری اسلامی است. محوریت بایدها می‌بایست مبتنی بر انجام خدمات قرض‌الحسنه و بهره‌گیری از عقود جعاله، مضاربه، مشارکت مدنی و غیره باشد تا بتوان اعتقادی عملی و نظری در میان بخش‌های مختلف نظام بانکداری در کشور ایجاد نمود. ضمن اینکه تأسیس بانک‌های جهانی اسلامی در این زمینه نیز می‌تواند بسیار راهگشا باشد. زیرا نوعی اجماع جهانی و منطقه‌ای درباره ضرورت استفاده از عقود اسلامی و نفی شیوه‌های بانکداری سرمایه دارانه را به اطلاع مسلمانان می‌رساند و حتی ممکن است دیگران را نیز ترغیب نماید تا با بهره‌گیری از ایده‌های اخلاقی نظام بانکداری اسلامی، آنها را در بستر نظام بانکداری خود اجرایی نمایند. به طور مشخص، در بانکداری اسلامی، شیوه‌هایی نظیر وام‌های قرض‌الحسنه، مضاربه، مشارکت مدنی، جعاله، اجاره به شرط تملیک توصیه می‌شوند که عمل بر مبنای آنان می‌تواند راهی برای برون‌رفت از بانکداری ربوی تلقی شود. ضمن اینکه توجه به بخش‌های تولیدی و خدماتی و همچنین وام‌هایی نظیر ازدواج، تحصیل، مسکن و تولید از جمله مزایای بانکداری اسلامی هستند که تسهیلات خود را به آحاد مـردم عرضه می‌دارند تا بتوانند با نفی سودمحوری مبتنی بر بانکداری ربوی، جایگاه بانکداری اسلامی را که مبتنی بر تلاش و کار است، بنا نهند.

۷. تقدیر و تشکر

از همه عزیزانی که در گردآوری مطالب، نقد منصفانه و عالمانه و همچنین بررسی مطالب مقاله به نویسندگان یاری رساندند، کمال تشکر را دارا هستم.

۸. سهم نویسندگان

جمع‌آوری مطالب، تحقیق و نگارش این مقاله به صورت مشترک و تماماً توسط نویسندگان مقاله انجام شده است.

۹. تضاد منافع

در این تحقیق تضاد منافعی وجود ندارد.

References:

1. Holly Quraan. Room: 30, Baghareh: 267, Baghareh: 267, Tobeh 34. (Arabic).

2. Gafouri Charkhabi H. Examining the verses of usury and its rulings. *Journal Islamic Economice.* 2011;2(1):188-214. (Persian).

3. Tabatabaei MH. Almizan Interpretation. Translated by Mousavi Hamadani, M B. Tehran: Amir Kabir; 1997. (Arabic).

4. Hore Ameli MH. Vesael Alshieh. Qom: Albeiyt; 1999. (Arabic).

5. Kolini MY. Alkafi. Tehran: Islamieh; 1986. (Arabic).

6. Nouri Kermani MA. The Subject of Usury and its place in Contemporary economics. Qom: Boostan Ketab; 2000. (Persian).

7. Najafi MH. Jawaher Al-kalam. Beirut: Daralehya alterath; 1997. (Arabic).

8. Mousavian A. Islamic Banking. Tehran: Monetary and Banking Research Institute; 2002. (Persian).

9. Shahid Sani Z. Masalek Alafham. Qom: Islamic Encyclopedia; 1993. (Arabic).

10. Makarem Shirazi N. Usury and Islamic banking. Corrected By Alian Neghadi, A. Qom: Imam Ali Publishing; 2000. (Persian).

11. Asgari M. Passing On interest-fraee Bankig Goals. *Journal of Howzeh Thought.* 2003;1(53):30-41. (Persian).

12. Motahari M. Usury, Bank and Insurience. Qom: Sadra; 1984. (Persian).

13. Mousavi Khomeini RA. Tozihalmasael. Qom: Islamie; 1998. (Arabic).

14. Ghorbani Lahiji ZA. Comprehensive interpretation Ayat Alahkam. Tehran: Daralhadis; 2003. (Persian).

15. Bidar M. Investigation of Gharz al-Hasane fee and its Calculation Methods in Islamic Banking. *Journal Knowledge of Islamic Economics.* 2010;4(1):97-114. (Persian).

16. Hervani H, Zehtabian M, Harvani M. A Critique of Islamic Banking. Tehran: University of Imam Sdegh (A); 2006. (Persian).

17. Bagheri M, Bostani M. Economic Analysis of Mudarabe Contracs and Participation in the framework of Islamic banking information inequality and reduced efficiency. *Journal Legal Research Quarterly.* 2013;17(66):17-35. (Persian).

18. Nazarpour MN, Molakarimi F. Examination civil partenship contract of the Centeral Bank from the point of view of jurisprudential Rules. *Journal Islamic Economoc.* 2014;15(57):137-67. (Persian).

19. Katoozian N. Civil Rights. Tehran: Ganj-e Danesh; 2007. (Persian).

20. Mousavian A. Introduction to interest-free banking in Iran. Tehran: Keshavarzi Bank; 2013. (Persian).

21. Wilson R. Parallels between Islamic and Ethical Banking. *Review of Islamic Economics.* 2002;11(1):51-62.

22. Khorsandian A, Moradpour A, Shaabani M. Providing a Model for Ethical Banking. *Quarterly Journal of Economic Research and Policy.* 2013;22(71):29-52. (Persian).

23. Mojtahed A. Money, Banking and Financial Institutions. Tehran: Monetary and Banking Research Institutes; 2005. (Persian).

24. Vaeez Barzani M, Izadkhasti H. Analyzing the Role of Monetary Interest Rates in the Economic Crises of the Capitalist System: An Islamic Approach. *Journal of Islamic Economics.* 2010;11(44):77-105. (Persian).

25. Al-Jarhi MA. The Case for Universal Banking as Component of Islamic Banking. Jakarta: Indonesia; 2003. (Arabic).

26. Akbarian R, Rafiei H. Islamic Banking; Theorical-Practical Challenges and Solution. *Journal Islamic Economice.* 2005;7(26):97-118. (Persian).

The Iranian Association of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal

2021; Legal Innovation

Journal Homepage: http://ijmedicallaw.ir



ORIGINAL ARTICLE

Do's and Don'ts of Islamic Banking from the Perspective of Islamic Jurisprudence

Javad Khalighi Moghaddam[1], Alireza Saberian[2*], Maryam Aghaei Bajestani[3]

1. PhD student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.
3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 20 July 2021

Accepted: 27 November 2021

Published online: 24 January 2022

Keywords:

Islamic Banking

Islamic Jurisprudence

Economy

lucre

Loans

*** Corresponding Author:**

Alireza Saberian

Address: Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

Postal Code: 35131-37111

Telephone: 23-33654040

Email: alireza.saberyan@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: Addressing Islamic banking as one of the ideas needed in managing the economy of Islamic societies and also presenting an independent model based on Islamic jurisprudence is a real concern. Accordingly, the present study seeks to address the do's and don'ts of Islamic banking from the perspective of jurisprudential sources.

Materials and Methods: In this descriptive article, the analytical method is used and the information is documented and library.

Results: Denial and sanctity of usury is an essential aspect of the formation of Islamic banking that should be considered both in transactions and in providing services and facilities to customers. Islamic banking is a model based on real transactions and rejection of formal transactions, which is supported by jurisprudential sources of transactions accepted in Islam Including Gharz al-Hasna, Ja'ala, Mudaraba, and civil partnership are among them, which rely on real transactions and solving the economic problems of the people of the society.

Ethical considerations: In different stages of writing this article, from the stage of compiling to analyzing the content, ethical considerations such as the principle of fiduciary duty and observance of writing principles have been considered.

Conclusion: One of the main problems of non-realization of Islamic banking is the lack of change in jurisprudence based on banking developments and the lack of a practical plan for the implementation of Islamic banking. Also, from a legal point of view, not paying attention to the legal obstacles to the progress of Islamic banking is very important. The prevalence of usurious banking in the Islamic society, the huge interest of banks on loans and financial services and the lack of a legal mechanism on banks are among the most important legal obstacles to the non-realization of Islamic banking. At the same time, in terms of the musts (positive), the usury banking system still remains in the theoretical field and its executive policies have not been properly implemented.

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as: Khalighi Moghaddam J, Saberian A, Aghaei Bajestani M. Do's and Don'ts of Islamic Banking from the Perspective of Islamic Jurisprudence. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.

This open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution NonCommercial 4.0 License (CC BY-NC 4.0).